

مقدمه

در تاریخ‌نویسی جدید، سعی در به‌کار بستن روش‌های علمی در پژوهش است. تاریخ‌نگاری معاصر ایران نیز در این مسیر گام برمی‌دارد و کم‌کم به سوی تحولی بنیادی پیش می‌رود. موضوع کار مورخان، دیگر تنها بیان سرگذشت فرمانروایان و شرح جنگ‌های آنان نیست. بلکه همه‌ی جنبه‌های زندگی مورد تأکید قرار می‌گیرد. به همین دلیل نگارش تاریخ به زمینه‌های گوناگون دانش تاریخ یعنی: تاریخ نظامی، تاریخ اقتصادی، تاریخ اندیشه‌ی دینی، تاریخ ادبیات، تاریخ هنر و ... توسعه یافته و مورخان از همه‌ی منابع، از جمله ادبی برای پژوهش‌های خویش سود می‌برند. در این میان، گاهی اثر یا متنی نام تاریخ بر خود دارد، ولی رنگ ادبی آن از رنگ تاریخی‌اش بیش‌تر است. گاهی هم برعکس، محتوای یک متن ادبی، کاملاً تاریخی است و برای دانستن تاریخ یک دوره به کار می‌آید.

از این دسته منابع ادبی و تاریخی می‌توان به منشآت امیرنظام گروسی، اثری از دوره‌ی قاجاریه، اشاره کرد. حسنعلی‌خان امیرنظام گروسی یکی از شخصیت‌های مهم سیاسی در قرن‌های سیزده و چهارده قمری (۱۳۱۷ - ۱۲۳۶ق) است که در محیط ادبی اجتماعی سیاسی و فرهنگی عصر خود و حتی بعد از آن کما بیش منشأ اثر بوده و به اصطلاح در سر پل یک تحول نسبتاً محسوس قرار داشته است. امیرنظام در عین حال مردی ادیب و نویسنده‌ای توانا و دارای خطی خوش بود و همین که اثری به نام «منشآت امیرنظام» از او باقی مانده گواهی است بر این امر.

تعامل تاریخ و ادبیات در منشآت امیرنظام گروسی

زهرا قیداری

دبیر تاریخ بیجار



کلیدواژه‌ها: امیرنظام گروسی، منشآت، تعامل تاریخ و ادبیات

مختصری درباره زندگی و ادبیات سیاسی و دیپلماسی امیرنظام

حسنعلی‌خان در سال ۱۲۳۶ قمری دیده به جهان گشود. وی از خاندانی کهن و از ایل کبودوند ساکن بیجار گروس بود. نیاکانش از روزگار صفویه تا قاجاریه، طی چند قرن، مصدر خدمات دولتی بودند [کوشا، ۴۳ - ۴۱].

حسنعلی‌خان دوران کودکی و نوجوانی خود را در زمان فتحعلی‌شاه (از بدو تولد تا ۱۳ سالگی) و محمدشاه قاجار (از ۱۳ سالگی تا ۲۷ سالگی) گذراند. وی پس از تحصیلات کافی در ادبیات عرب و نقد اشعار عربی و فارسی و ضبط تواریخ و انشای خط، وارد خدمت نظام شد [بسناس، ۱۴] و سپس در رکاب محمدشاه در محاصره‌ی هرات و با حسام‌السلطنه در فتح هرات شرکت جست.

از ۲۱ سالگی، یعنی از سال ۱۲۵۷ تا ۱۲۸۸ق به عنوان وزیر مختار ایران

به دربارهای فرانسه، انگلیس، اتریش و عثمانی اعزام شد. [افشار، ۱۲ - ۱۱] و در این مأموریت‌ها حسنعلی‌خان چنان رفتار کرد که نه تنها حیثیت قوم ایرانی را حفظ کرد، بلکه بر اعتبار و شهرت ایران و ایرانی افزود. پس از آن، ناصرالدین شاه، امیرنظام را که سیاستمداری صادق، دانشمند و کاردان بود به سرپرستی **محصلین اعزامی به فرنگ** منصوب کرد. حسنعلی‌خان در سال ۱۲۸۹ قمری به منصب وزارت فوائد عامه دست یافت که از کارهای مهم وی در این مقام ساختن راه لاریجان به مازندران است که در سال ۱۲۹۲ ق به پایان رسید [افشار، ۱۲].

او در این کار از محصلان اعزامی به خارج که در رشته‌ی ریاضیات و معدن‌شناسی فارغ‌التحصیل شده بودند و در آن زمان بیکار بودند استفاده کرد. [اعتمادالسلطنه، ۲۱] و چنان کرد که کالسکه و عرابه به راحتی می‌توانست در آن راه



حرکت کند. بعد از این که فراغت حاصل یافت مقیم دربار و حاضر در شورای دولتی شد [وقایع‌نگار، ۲۸۱].

در سال ۱۲۹۰ قمری، وی از ملتزمین رباب شاه در سفر اول به فرنگستان بود. [افشار، ۱۲] در این سال قرارداد رویترا، با تلگراف حسنعلی‌خان (به جهت مخالفت



امیر نظام گروسی

ولیعهد مبنی بر مقابله با مردم در قضیه‌ی واگذاری امتیاز تالبوت (توتون و تنباکو) به دولت انگلستان، استعفا می‌دهد. [کسروی، ۱۶] ماجرا از این قرار بود که ناصرالدین شاه به امیرنظام تلگراف می‌کند که: «به سربازهای تبریز فشنگ بده و به شورشیان شلیک نما!» امیرنظام در جواب می‌نویسد:

«به دست چندین هزار یاغی که مسلح هستند دادن اسلحه و مهمات حرب را جایز نمی‌دانم.» [فوریه، ۲۲۵]

پس از مرگ ناصرالدین شاه، بار دیگر حسنعلی‌خان به عنوان پیشکار محمدعلی میرزا، ولیعهد، حکومت آذربایجان یافت [افشار، ۱۳].

محمدعلی شاه فرزند ارشد مظفرالدین شاه در بحرانی‌ترین و سخت‌ترین مقاطع تاریخ معاصر ایران به پادشاهی رسید.

گرایش وی به دولت روسیه، وضع ناگوار اقتصادی و اداری، فشارهای بیگانگان و اصطکاک منافع دولتین روسیه و انگلستان در ایران، که از لحاظ موقعیت ژئوپلیتیکی یا جغرافیای سیاسی، وضع خاصی داشت، مزید بر مشکلات و مصیبت‌های محمدعلی شاه شده بود [نجمی، ۱۶ - ۱۵].

عدم تجانس و سازگاری امیرنظام که ضمناً مردی ادیب و دانشمند بود، با ولیعهد قاجار که به استبداد رأی شهرت داشت، سرانجام سبب گردید که این سیاستمدار با تجربه بار دیگر این سمت را رها کرده

و به حکومت کرمان رهسپار گردد که در آن ایالت عمرش به سر رسید و در ماهان، در بارگاه شاه نعمت‌الله ولی، و در مقبره‌ای که خود از پیش ساخته بود، جاودانه آرمید [۱۳۱۷ ق] [افشار، ۱۳].

ویژگی‌های منشآت امیرنظام گروسی

حسنعلی‌خان امیرنظام گروسی از پیروان نثر قائم مقام فراهانی است و بیش از او به ساده‌نویسی گرایید. به گونه‌ای که می‌توان آن‌ها را از بهترین نمونه‌های نثر فارسی به حساب آورد.

به تعبیری دیگر، منشآت امیرنظام و نیز نامه‌های اخوانی و سلطانی وی در فصاحت و روانی و شیرینی و رعایت قوانین بلاغت از نوشته‌های قائم مقام و حاج فرهاد میرزا دست کمی ندارد و حتی در مورد «وارد کردن تعبیرات و اصطلاحات و ترکیبات عامیانه در انشا و استفاده از زبان مردم برای بیان مقاصد» از آن‌ها پیش افتاده است. از این جهت شاید بتوان او را نسبت به دهخدا دارای فضل تقدیم شمرد و اگر امیرنظام در این زمینه معلم و مقتدای دهخدا نباشد، باری به جرأت می‌توان گفت که دهخدا در نوشتن «چرند و پرند»‌های خود به منشآت امیرنظام نظر داشته است. [محبوب، مقدمه: ص ۲۰]

شایان ذکر است که در اصطلاحات دیوانی قدیم منشآت به انشاءها، نامه‌ها و نوشته‌ها؛ سلطانیات به مکاتبات شاهی، نامه‌های رسمی و دولتی؛ دیوانیات به مکاتبات اداری و دیوانی؛ و اخوانیات به نامه‌های ردوبدل شده میان دوستان گفته می‌شود.

ویژگی‌های ادبی منشآت را می‌توان

به اختصار چنین بیان نمود:

- شیرینی بیان و فصاحت و بلاغت در عین صلابت و استحکام الفاظ و سادگی جملات

علماء و مجتهدین و جمعی از مردم) لغو گردید. [سهیلی خوانساری، ۸۴ - ۷۹].

نقش مهم سیاسی دیگر امیرنظام پیشکاری آذربایجان بود. اهمیت سوق‌الجیشی آذربایجان، توانمندی نظامی و سیاسی حسنعلی‌خان، بی‌کفایتی ولیعهد قاجار و ... ناصرالدین شاه را واداشت تا در سال ۱۳۰۰ قمری حکم پیشکاری آذربایجان و به عبارتی ریاست کل امور این ایالت را به نام سیاستمدار کارآموده‌ی خویش صادر کند. در همین دوره‌ی خدمت امیر نظام است که او به دلیل تمرد از فرمان

- حذف القاب و عناوین زائد و تعریف‌های خسته کننده
- استناد به اشعار و ضرب‌المثل‌های عربی و فارسی با توجه به مضمون
- استناد به آیات قرآن و احادیث و ادعیه
- استفاده از برخی از الفاظ و جملات ترکی
- تشویق اهل هنر به رعایت صنایع بدیعی و ادبی و پرهیز از عبارات غیر مأنوس
- رعایت اختصار و ایجاز و تاکید بر این مهم
- تاکید بر حسن خط و هنر خوشنویسی
- استفاده از الفاظ انگلیسی و فرانسوی

در هیچ‌کدام از نامه‌های امیرنظام از الفاظ و کلمات کردی گروسی استفاده نشده است اگر چه احتمال دارد که در نامه‌های خصوصی به خویشاوندان نزدیک خود، امیرنظام کلمات کردی را نیز به کار برده باشد.

توجه امیرنظام به علوم ادبی

علاقه‌ی امیرنظام به علوم ادبی را می‌توان در کلمه به کلمه و سطر به سطر نامه‌های وی مشاهده کرد.

بخشی از اقدامات فرهنگی امیرنظام را در قالب توجه وافر به ادبیات می‌توان چنین خلاصه نمود:

- پندنامه‌ی یحویه که آن را در محرم سال ۱۲۷۰ قمری در سفر سلطانیه

و زمانی که در رکاب ناصرالدین شاه بود نوشت. این پندنامه مکتوب و در واقع وصیت‌نامه‌ی او به فرزندش یحیی، و مملو از روح ادب و ادبیات است که با خطی زیبا به رشته‌ی نگارش در آورده است [افشار، ۱۱].

● دستور به کتابت دیوان فرخی سیستانی توسط محمدخان سرهنگ افشار در سال ۱۳۰۴ قمری. این نسخه به خط زیبای شکسته نستعلیق مکتوب گردیده و دارای سه لوحه‌ی زیباست و همه‌ی برگ‌ها با طلا و لاجورد و زرنگار جدول‌کشی شده است [محمدی، ۲۵۱].

● کتابت دیوان منوچهری دامغانی که به دستور امیرنظام و توسط محمدصادق خان قاجار نوشته شده است [افشار، ۱۲].

● چاپ سنگی کلیله و دمنه‌ی بهرامشاهی به نفقه‌ی امیرنظام و به تصحیح حاجی میرزا محمد کاظم حسینی طباطبایی و کیل‌الرعیای آذربایجان (ملقب به اعتضادالممالک) و به خط میرزا باقر منشی تبریزی [افشار، ۱۲].

● گردآوری «منشآت فرهاد میرزا» [از نوادگان فتحعلی‌شاه قاجار]. گرچه از لحاظ تفکر در صف مخالف وی قرار داشته است. [نواب صفا، ۲۳۲] فرهاد میرزا در منشآت خویش به امیرنظام تعریض‌های سخت و کنایه‌های نیش‌دار فراوان آورده است و ظاهراً این دو از نظر سیاسی با یکدیگر مخالفت می‌ورزیدند ... با این حال امیرنظام به جمع‌آوری منشآت وی شوق بسیار داشت و این نکته را فرهاد میرزا معتمدالدوله در یکی از نامه‌های اخوانی خود به تصریح یاد کرده است [محبوب، صفحه نوزده مقدمه].

همچنین، میرزا حبیب اصفهانی (نویسنده و مترجم کتاب حاجی بابای



خانه‌ی امیرنظام گروسی در محله‌ی ششگلان تبریز



امیرنظام گروسی به همراه مظفرالدین شاه

عین تعجیل در دادن پاسخ نامه‌ها و یا بیان گزارش‌های سیاسی و نظامی رسمی، به تشریح حقایق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و ... زمان خود می‌پردازد. دوره‌ی او مصادف است با رقابت شدید دو امپراتوری روس و انگلیس در آسیا و اگر چه ناصرالدین شاه در مقطعی از حکومت خویش، به دلیل معاشرت با سیاستمدارانی لایق چون امیرکبیر، امیرنظام و ... خواهان ترقی و پیشرفت ایران است اما به دلیل استبداد شدید وی به تبعیت از اسلاف خود و دخالت‌های بیگانگان و درباریان فاسد و ... او را در سال‌های آخر سلطنت خود، مرد خسته‌ای می‌بینیم که از کارها طفره می‌رود و ایام خود را به سیروسیاحت در فرنگ و گذراندن در حرمسرا و ... به سر می‌برد. استبداد شدید و قدرت مطلقه وی و نیز فساد حکومتی شاهزادگان نالایق قاجاریه تا آنجا پیش می‌رود که برای حفظ منافع خود مصالح دیگران را زیر پا گذاشته و حتی چپاول می‌کنند.

در منشآت امیرنظام به گوشه‌هایی از این اوضاع و احوال سیاسی اجتماعی اقتصادی اشاراتی می‌رود که ما نیز به

که در مدح امیرنظام در ساوجبلاغ سروده است به عنوان شاهی بر علاقه‌ی وی به امیرنظام ذکر می‌کنیم:

بماند نام کسان از دو چیز جاویدان
یکی ز وسعت خاطر یکی ز لطف
زبان

ز روی فخر خداوند ملک را که بود
«امیر» کل نظام و «نظام» ملک جهان

... بنا به گفته‌ی ادیب‌الممالک، امیرنظام در عیدغدیرخیم به سال ۱۳۱۰ق از بیجار به قرمیسین آمد، تا کسانی را که بر ضیاءالدوله شوریده بودند، گوشمالی دهد که ادیب‌الممالک با خواندن ترجیع‌بندی خشم او را فرونشاند و سبب شد امیر از جرم گنهکاران بگذرد. میرزافتح‌خان شیبانی و نظام‌العلماء از دیگر شعرا می‌بودند که در مدح امیرنظام اشعاری سروده‌اند [بسناس، ۹۹].

نقش و جایگاه ادبیات کاربردی امیرنظام در وادی سیاست (وضعیت سیاسی اجتماعی عصر قاجاریه در آینه منشآت): امیرنظام در هر مقام و مقالی زبان و بیان و قلم خاص خود را دارد. و با صراحت کلام و دقت نظر تمام، در

اصفهانی) که از مؤلفان کتاب‌های درسی فارسی بود، مهم‌ترین و معروف‌ترین کتاب خود یعنی «دستور سخن» را در عثمانی به تشویق امیرنظام [سفیر آن روز ایران در عثمانی] تألیف کرده است. حبیب را باید پیشرو دست‌نویسی در زبان فارسی شناخت [ریاحی، ۲۴۵].

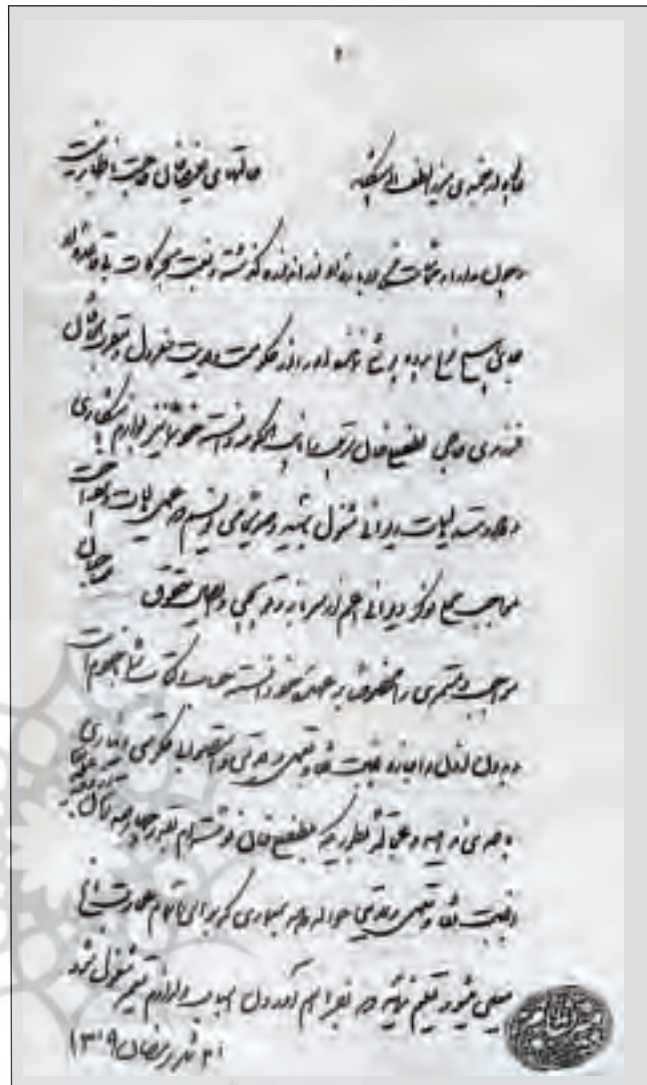
نیز نقل شده است که: به دستور امیرنظام، میرزا محمد حسین مکتب‌دار، گلستان سعدی را با خطی زیبا نوشته بوده است.

امیرنظام و ادیبان ایرج میرزا

ایرج میرزا از نوادگان فتحعلی شاه قاجار، شاعر توانای عصر قاجار و از دست پروردگان مکتب امیرنظام گروسی است. امیرنظام، ایرج را به چشم فرزند خویش می‌نگریست و تمام راه‌ها را برای کسب کمال در برابر او گشود و در معرفی وی به اهل فضل و صاحبان دانش کوشید. همچنین به پایمردی امیرنظام بود که ایرج به لقب «فخرالشعرا» مفتخر شد. ایرج در خط تحریری مقلد امیرنظام و از شاگردان مکتب خطاطی وی است و در طبیعی گفتن و ساده شعر سرودن نیز از شیوه امیرنظام پیروی می‌کرد [محبوب، ۲۶].

ادیب‌الممالک فراهانی

میرزا محمد صادق امیری (۱۳۳۵ - ۱۲۷۷ق) معروف به ادیب‌الممالک فراهانی با امیرنظام گروسی ارتباط قوی داشت. در زمانی که امیرنظام وزیر فواید عامه بود ادیب‌الممالک با وی آشنا شد و به مناسبت این آشنایی، تخلص خود را از پروانه به «امیری» مبدل ساخت و با او به کرمانشاه رفت و در ایام پیشکاری امیرنظام در آذربایجان، همراه وی بود [یاحقی، ۲۴]. قسمتی از قصیده‌ی ادیب‌الممالک را



صورت گذرا به آن خواهیم پرداخت:

ادبیات انتقادی امیر نظام

«روزنامه‌های عهد ناصری - حتی روزنامه‌ای که ظاهراً عنوان دولتی داشت - همه دولتی بودند و ما از دوره ناصرالدین شاه روزنامه‌ای که دولتی نبوده و در خود ایران منتشر شده باشد نمی‌شناسیم. در عهد کوتاه سلطنت مظفرالدین شاه نیز تا اعلان مشروطیت، جراید آزاد منتشر نمی‌شد و روزنامه‌ها به شدت از سوی حکومت و شخص شاه کنترل می‌شدند. لذا روزنامه‌هایی که در خارج از ایران منتشر می‌شد به صورت قاچاق و به‌وسیله‌ی جهانگردان، مسافران و زوار، یا ضمن

بارهای تجاری به ایران فرستاده می‌شد و محرمانه و با احتیاط دست‌به‌دست می‌گشت. در میان این جراید ارشاد (در باکو)، اختر (در استانبول)، قانون (در لندن) و حکمت (در مصر) از همه معروف‌تر بودند. روزنامه‌ی

اختر در سال ۱۲۹۲ قمری به تشویق میرزا نجفقلی خان تبریزی، یکی از مأمورین دولت ایران در پایتخت عثمانی، به مدیریت آقا محمد طاهر تبریزی تاسیس

گردید. این روزنامه در پیشامدهای مهم از جمله داستان امتیاز توتون و تنباکو، مقالات مغزدار و سودمندی نوشت. جای تأمل دارد که امیر نظام، که آن زمان در منصب وزارت فوائد عامه بود، به صراحت تمام ضمن تحسین این روزنامه [«هزار آفرین بر براننده‌ی این اخلاق و طرازنده‌ی این اوراق و موسس این معانی و مهندس این مبانی...»] [آرین‌پور، ۵۱ - ۲۴۹]. به بهره‌های اخلاقی، ادبی، سیاسی و اجتماعی آن نیز اشاره می‌کند و می‌نویسد: «... اگر مفتاح آدابش خوانند، رواست و اگر سرمایه‌ی اخلاقش دانند، سزا ... و آرای مستقیم را به وظایف

بیش، لطایف آفرینش و استحکام قواعد دین و دولت و انتظام قوانین ملک و ملت دعوت کند، زینده است که خاص و عام از کلمات حکمت‌آمیز آن بهره‌ها یابند و فایده‌ها برگینند...» [محمدی برنجه، ۲۱۵].

دوستی و معاشرت امیر نظام با صاحبان اندیشه و قلم مخالف دولت چون ایرج میرزا، میرزا فتح‌الله خان شیبانی و چهره‌ی آزادی‌خواه و روشن فکر طرفدار قانون «میرزا یوسف خان مستشارالدوله» همه خود حاکی از افکار ترقی‌خواهانه و روشنفکرانه‌ی امیر نظام گروسی است. چنان‌که رساله «یک کلمه»‌ی میرزا یوسف خان مستشارالدوله به خط زیبای امیر نظام به تحریر می‌آید [آرین‌پور، ۴۵ - ۱۳۳].

منشآت امیر نظام در قالب‌های چاپی

با توجه به معنای واژه‌ی «منشآت» می‌توان گفت، مجموعه‌ی نامه‌های سلطانی، دیوانی و اخوانی و نیز گزارش‌های نظامی امیر نظام در این محدوده قرار می‌گیرند. لذا با در نظر گرفتن این معنا، قالب‌های چاپ‌شده‌ی منشآت را به شرح زیر تقسیم‌بندی می‌نماییم.

● پندنامه‌ی یحیویه

نامه‌ی امیر نظام به فرزندش یحیی با عنوان «پندنامه‌ی یحیویه» از آثار ارزشمندی است که وی آن را، در سال ۱۲۷۰ قمری، زمانی که در سفر سلطانیه در رکاب ناصرالدین شاه بود، با نثری ادیبانه و خطی خوش به رشته‌ی تحریر درآورد این اثر نخستین بار در سال ۱۳۱۵ ق توسط احمد امین‌الصنایع با چاپ سنگی به چاپ رسید و در سال ۱۴۰۷ نیز با مقدمه‌ای از منوچهر سعید وزیری در انتشارات نقره چاپ شد.

● منشآت

منشآت امیرنظام نخستین بار در سال ۱۳۲۲ قمری و پس از آن چندبار دیگر به چاپ رسید. در سال ۱۳۳۱ قمری نسخه‌ای دیگر از منشآت امیرنظام به دستور عمده‌التجار و فخرالحاج آقا تاجر کتابفروش در ۱۸۶ صفحه به اندازه‌ی خشتی با جلدی طرح‌دار سدری رنگ و با خط نستعلیق، مصور به عکس امیرنظام به تحریر در می‌آید.

چاپ‌های دیگری از منشآت امیرنظام در دست است که یکی از آن‌ها در سال ۱۳۰۴ شمسی و توسط محمدکاظم حسنی طباطبایی در تبریز مورد تصحیح قرار گرفته است. و دیگری به کوشش محمدی برنجه در سال ۱۳۸۳ شمسی به چاپ رسیده است.

● بخشی دیگر از نامه‌های دیوانی و نظامی امیرنظام گروسی در سال ۱۳۵۳ شمسی توسط ایرج افشار خریداری شد و او آن‌ها را با عنوان «گزارش‌ها و نامه‌های دیوانی و نظامی امیرنظام گروسی» به چاپ رساند.

ارزشمندی تاریخی و موضوعی این مجموعه از این روست که ۱۴۶ نامه و سند مندرج در آن [از مجموعه ۱۵۹ نامه و سند] مربوط است به دوره‌ای که حسن علی خان به امر ناصرالدین شاه در ساوجبلاغ مکرری مامور دفع تجاوزات و فتنه‌انگیزی‌های شیخ عبیدالله کرد و حمزه آقای منگور بود. این نامه‌ها در فاصله‌ی رمضان سال ۱۲۹۷ تا شوال ۱۲۹۸ قمری به رشته‌ی نگارش آمده است. حسنعلی خان در زمان اعزام به این ماموریت نظامی در منصب و مقام وزیر فواید عامه برقرار بود.

● بخشی دیگر از نامه‌های امیرنظام قسمتی از مکاتبات اوست با میرزا سعیدخان، وزیر امور خارجه، که معلوم نیست در چه زمان به این صورت جمع

و تجلید شده و بقیه‌ی نامه‌های وی در سفارت فرانسه و انگلستان نزد که و یا در کجاست؟ [افشار، ۸] خوشبختانه این نامه‌ها در سال ۱۳۵۷ شمسی تحت عنوان «امیرنظام در سفارت فرانسه و انگلستان» شامل ۳۰ نامه و گزارش، توسط احمد سهیلی خوانساری به چاپ رسید.

منابع

۱. آرین‌پور، یحیی، از صبا تا نیما تاریخ ۱۵۰ ساله ادب فارسی، انتشارات زوار، چاپ هفتم، ۱۳۷۹.
۲. اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان، مرآت البلدان، به کوشش دکتر عبدالحسین نوایی، انتشارات دانشگاه تهران.
۳. افشار، ایرج، گزارش‌ها و نامه‌های دیوانی و نظامی امیرنظام گروسی، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، تهران، ۱۳۷۳.
۴. بسناس، مه‌ری، زندگی‌نامه سیاسی اجتماعی حسن علی‌خان امیرنظام گروسی، انتشارات آوای نور، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۵. تقی‌زاده، منصور، «معرفی خطاط حاکم آذربایجان و ابداع‌کننده اصول ساده‌نویسی سهل و ممتنع»، اینترنت.
۶. حکیمی، محمود، داستان‌هایی از زندگی امیرکبیر، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، چاپ بیست‌ونهم، ۱۳۷۲.
۷. خاتمی، احمد، تاریخ ادبیات ایران در دوره بازگشت ادبی، انتشارات پایا، چاپ اول، ۱۳۷۳.
۸. ریاحی، محمدامین، زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی، شرکت انتشارات پازنگ، چاپ اول، ۱۳۶۹.
۹. سهیلی خوانساری، احمد، امیرنظام در سفارت فرانسه و انگلستان، کتابخانه اقبال، ۱۳۵۷.
۱۰. فوریه، سه سال دربار ایران، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، به کوشش همایون شهیدی، انتشارات دنیای کتاب، چاپ سوم، ۱۳۶۸.
۱۱. کرمانی، ناظم‌الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، انتشارات امیرکبیر، چاپ هفتم، ۱۳۷۳.
۱۲. کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران، موسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ هفدهم، ۱۳۷۳.
۱۳. کندال، عصمت شریف وانلی، مصطفی نازدار، کردها، ترجمه ابراهیم یونسی، انتشارات روزبهان، چاپ اول، ۱۳۷۰.
۱۴. کوشا، محمدعلی، سیمای بیچارگروسی و مشاهیر آن، انتشارات دانشگاه کردستان، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۱۵. محجوب، محمدجعفر، تحقیق در احوال، آثار، افکار و اشعار ایرج‌میرزا و خاندان و نیکان او، انتشارات اندیشه، چاپ سوم، ۱۳۵۳.
۱۶. محمدی برنجه، علی، منشآت امیرنظام گروس، انتشارات سیب‌سرخ، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۱۷. محمدی، علی، کتاب افشار، موسسه همراه، ناشر مولف، چاپ اول.
۱۸. معین، محمد، فرهنگ معین، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوازدهم، ۱۳۷۷.
۱۹. نجمی، ناصر، محمدعلی شاه و مشروطیت، انتشارات زریاب، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۲۰. نواب صفا، اسماعیل، شرح حال فرهاد میرزا معتمدالدوله، انتشارات زوار، چاپ اول، ۱۳۶۶.
۲۱. نوایی، عبدالحسین، ایران و جهان از قاجاریه تا پایان عهدناصری، نشر هما، چاپ اول، ۱۳۶۹.
۲۲. وقایع نگارکردستانی، علی‌اکبر، حدیقه ناصری، به کوشش محمد رئوف توکلی، تهران، ناشر: مولف، ۱۳۶۴.
۲۳. یاحقی، محمدجعفر، چون سبوی تشنه ادبیات معاصر فارسی، انتشارات جام، چاپ سوم، ۱۳۷۵.

